

سیاست‌گذاری صنعتی منطقه‌ای، از طریق شناخت توانمندی‌ها

مطالعه موردی - استان فارس

فتح‌الله تازی*

فرانک جلیلیان**

سیاست‌گذاری صنعتی منطقه‌ای موضوعی است؛ که با وجود تغییر و تحول در نظام اجرایی آن، طی دهه‌های مختلف گذشته، هنوز هم به‌عنوان مبنای شناخت توانمندی‌ها و اتخاذ استراتژی توسعه هماهنگ با آن، امری ضروری است. روش‌های مختلفی برای شناخت این توانمندی‌ها وجود دارد؛ که یکی از آنها روش تاکسونومی است. در این تحقیق، با در نظر گرفتن استان فارس به‌عنوان یکی از استان‌هایی که از جنبه کشاورزی و همچنین از جنبه صنعتی حایز اهمیت فراوان در سطح کشور است؛ به رتبه‌بندی صنایع، برحسب شاخص‌های مختلف انتخابی طی سه دوره، پرداخته می‌شود.

در نهایت باتوجه به تغییر روش طبقه‌بندی، ارزیابی مجددی صورت گرفته و با نتایج قبلی مقایسه شده است. نتایج حاصل از این تحقیق، نشان داده است که صنایع شیمیایی و غذایی در این استان، باتوجه به شاخص‌های انتخاب شده، از اولویت بیشتری برخوردارند و می‌توانند مبنای استراتژی توسعه در این منطقه قرار گیرند.

*- دکتر فتح‌الله تازی؛ عضو هیأت علمی - دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

** - فرانک جلیلیان؛ کارشناس ارشد اقتصاد.

پیش از دهه شصت میلادی، کوشش‌های ناتمامی در زمینه برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای صورت گرفته بود، اما اکثریت کشورهای صنعتی، کوشش‌های عمده خود را در مورد سیاست‌گذاری منطقه‌ای^۱ از دهه شصت آغاز کردند و آنچه پیش از این تاریخ، تحت عنوان برنامه‌ریزی منطقه‌ای شناخته می‌شود، مجموعه‌ای از اقدامات پراکنده و دارای دامنه محدود؛ مانند برنامه تی‌وا^(۱) در آمریکا، سرمایه‌گذاری‌های طرح‌ریزی شهر و روستا در انگلستان و فرانسه، کوشش‌های مربوط به عدم تمرکز در استرالیا، تلاش‌های اولیه مربوط به مبارزه با خشک‌سالی در برزیل و بالاخره توسعه منابع در مالزی. اما در عمل چندان کوششی، با استفاده از برنامه‌ریزی منطقه‌ای، جهت پیوند نظریات اقتصادی و توسعه انجام نمی‌گرفت. افزایش ناگهانی فعالیت‌های توسعه منطقه‌ای در دهه ۶۰ و آغاز دهه هفتاد، در تمامی موارد، واکنشی بود در برابر مشکلات به هم پیوسته اجتماعی، سیاسی، جمعیتی و اقتصادی؛ که برای هر یک از کشورهای مختلف که این مشکلات در آنها پدیدار شده بود، با اهمیت تلقی می‌گردید. در همه این کشورها، انگیزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و سیاسی نیز وجود داشت و هدف از سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای؛ دست یافتن به برابری و عدالت اجتماعی در مناطقی بود که از نظر رونق و رفاه، عقب‌تر از مناطق دیگر بودند. اما در مجموع، سیاست‌های منطقه‌ای که این کشورها تعقیب می‌کردند، شباهت بسیاری با یکدیگر داشتند.

در دهه هفتاد، مجموعه عواملی باعث گردید که سیاست‌گذاری منطقه‌ای، دچار تغییرات ریشه‌ای شود؛ بنابراین نرخ رشد ملی جمعیت، از سطوح پیش‌بینی شده پایین‌تر آمده و اثراتی نیز در توزیع جمعیت بر جای گذارد. همچنین نرخ‌های رشد مناطق کلان شهری نیز، رو به کاهش گذارده و در موارد متعددی نیز، به طور مطلق کاهش یافتند. هم‌زمان، بسیاری از نواحی غیر کلان شهری که قبلاً مهاجر فرست بودند؛

مهاجرپذیر شدند و گروهی دیگر نیز، از نرخ مهاجر فرستی آنها کاسته شد. این پدیده‌ها، گرچه با اهداف سیاست‌گذاری منطقه‌ای سازگار می‌نمود، اما نیاز به توجیه چنین سیاست‌هایی را از میان برداشت. سپس بحران اقتصادی جهانی که در سال‌های ۱۹۷۳ - ۱۹۷۴ پیش آمد، از نرخ‌های رشد ملی کاست و بر میزان بیکاری نیز افزود و بودجه‌های دولتی را کاهش داد. تقریباً تمام مناطق، از این تحولات متضرر شدند، اما مناطق صنعتی قدیمی ضربات سنگین‌تری را متحمل گشتند. مناطق خواهان، بیشتر کمکی برای دولت مرکزی بودند، اما منابع در دسترس دولت بسیار محدود شده بود. نتیجه کار از کشوری به کشور دیگر متفاوت بود؛ اما کم و بیش به کنار گذاردن موقت جهت‌گیری‌های دراز مدت سیاسی منطقه‌ای دهه شصت، و اجرای طرح‌های ضربتی بخش دولتی برای تخفیف آثار بیکاری، در مناطق عقب‌افتاده‌تر انجامید. عقب‌نشینی را که در دهه هفتاد در کشورهای صنعتی در سیاست‌گذاری منطقه‌ای رخ داد، نمی‌توان صرفاً واکنشی به برخی ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، به شمار آورد، بلکه دگرگونی‌هایی که در اوضاع سیاسی به وقوع پیوست، تأثیر داشت. در کشورهای کمتر توسعه یافته وضعیت متفاوت بود، زیرا هر چند این کشورها، از رکود جهانی آسیب دیدند؛ اما برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای را رها نکردند و حتی در دهه هفتاد در بسیاری از این کشورها برنامه‌ریزی منطقه‌ای افزایش یافت. کوشش‌های دهه شصت، جای خود را به ایمان دوباره به کارایی نیروهای بازار داد و فلسفه راهنمای برنامه‌ریزی، یکبار دیگر از مداخله، به عدم مداخله تغییر کرد.

«چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در ممالک در حال توسعه، رکود جهانی آغازین دهه هشتاد، نشان داد که به راه‌انداختن یک سیاست نتیجه بخش توسعه منطقه‌ای - در شرایط کند بودن رشد اقتصاد ملی - تا چه میزان دشوار است؛ به ویژه آنکه بیشتر سیاست‌های منطقه‌ای، به‌طور جدی بر سرمایه‌گذاری‌های صنعتی جدید، به‌عنوان پیش شرط موفقیت متکی است».^۲

اهداف سیاست‌گذاری منطقه‌ای^۳

در کشورهای صنعتی سرمایه‌داری،^(۱) بسیاری از مردم؛ «سیاست‌گذاری منطقه‌ای» و از آن بیشتر «برنامه‌ریزی منطقه‌ای» را، مداخله آگاهانه در عملکرد بازار آزاد می‌دانند. به همین دلیل، سخن گفتن از آنها را نوعی بیان نارضایی از بازار آزاد، به‌عنوان ابزار تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌آورند. در این صورت اهداف زیر، به سیاست‌گذاری منطقه‌ای نسبت داده می‌شود:

۱- پیشبرد عدالت اجتماعی به صورت ایجاد برابری بیشتر، طرفداران سیاست‌گذاری منطقه‌ای معتقدند؛ که با کاستن از شکاف میان مناطق، می‌توان از نابرابری میان گروه‌های اجتماعی کاست.

۲- کاستن از بیکاری، در نقاطی که از این لحاظ وضع وخیمی دارند.

۳- از میان بردن فقر، در هر منطقه‌ای که پایدار شده‌است.

۴- پیشبرد تعدیل ساختاری.

۵- تحقق کامل‌تر قابلیت‌های توسعه.

به‌طور کلی هدف از تحلیل ویژگی‌های منطقه‌ای؛ چه در سطح ملی و یا در سطح منطقه‌ای، شناسایی منابع اقتصادی و آشنایی با امکانات و قابلیت‌های توسعه مناطق مستعد و تعیین محورهای توسعه و همچنین هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، به مناطقی است که بازده اقتصادی بالاتری نسبت به سایر مناطق دارند و تلاش برای رفع نابرابری‌ها و برقراری عدالت اجتماعی در بعد منطقه‌ای و ملی خواهد بود.

لزوم و اهمیت برنامه‌ریزی منطقه‌ای

تجربه کشورها - به‌خصوص کشورهای در حال توسعه - نشان می‌دهد که رشد و توسعه، ناموزون بوده‌است و مناطقی وجود دارند که از رشد و توسعه کمتری نسبت به سایر مناطق برخوردار هستند. مردم این مناطق، از سطح رفاه، امکانات و

درآمد کمتری نسبت به دیگر مناطق برخوردار هستند. به ویژه شهرهای بزرگ و مناطق شهری، نسبت به مناطق روستایی، و مناطق نزدیک به مرکز، در مقایسه با مناطق دور از مرکز، رشد نامتوازن تری دارد. طبیعی است که وجود این عدم توازن‌ها، لزوم برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تلاش برای حل مشکلات منطقه‌ای را مطرح می‌سازد.

در کشورهای مختلف، با اینکه در مورد سیاست‌گذاری برای توسعه منطقه‌ای، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و روش‌های مختلفی اعمال می‌شود، اما در لزوم آن تردیدی وجود ندارد و تقریباً در اکثر کشورها، به برنامه‌ریزی منطقه‌ای اهمیت زیادی داده شده است.

ویژگی‌های هر منطقه و سیاست‌های خاص اجرا شده در هر جامعه‌ای، در تعیین چارچوب تقسیم کار و تخصص، اهمیت زیادی دارد و اگر تلاش شود که همه مناطق و نواحی جغرافیایی، بدون در نظر گرفتن قابلیت آنها، به‌طور مساوی رشد کنند، مسلماً رشد اقتصادی کشور نیز کاهش خواهد یافت و در بلندمدت این به ضرر تمام مناطق و استان‌های کشور خواهد بود. انجام سرمایه‌گذاری‌ها و اهمیت آن در بخش خصوصی، به سمت سرمایه‌گذاری در فعالیتهای صنعتی، متناسب با ساختار اقتصادی هر استان، نیازمند مطالعه درباره قابلیت‌های هر استان و نیز مشخص شدن تخصص هر استان برای یک یا چند فعالیت صنعتی خاص است.

بطور کلی هر برنامه‌ریزی توسعه، نیاز به تخصیص فضای وجوه سرمایه‌گذاری برای بخش‌ها و زیربخش‌های اقتصادی دارد. در ارتباط با تخصیص سرمایه‌گذاری صنعتی نیز، در هر استان، تعیین صنایعی که برای توسعه در استان اولویت دارد، ضروری است و می‌بایست صنایعی را که برای هر منطقه‌ای در استان اولویت دارد، شناسایی نمود.

شاخص‌های مزیت نسبی، که اساس و شالوده نظری صادرات کالاها و خدمات را در بازارهای بین‌المللی تشکیل می‌دهد، از سنجه‌های مهم اقتصادی به شمار می‌روند؛ که می‌توانند فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در امر تولید را با هدف توسعه

صادرات غیرنفتی به شکلی صحیحی هدایت نمایند.

در صورت شناخت مزیت‌های نسبی کشور در امر تولید و صادرات کالاهای صنعتی، می‌توان با ارزیابی مزیت‌های نسبی مناطق مختلف ایران در امر تولید کالاهای مذکور، این دو نوع شاخص‌های مزیت نسبی را مکمل یکدیگر قرار داد. با این روش به دلیل آنکه مناطق مختلف کشور در رشته خاصی از فعالیت‌های صنعتی، دارای مزیت نسبی است، توسعه و گسترش این فعالیت‌ها به تخصیص‌دهی کارآمد و مؤثر منابع می‌افزاید و از این طریق، آنها مورد شناسایی قرار می‌گیرند.

جهت‌گیری مناسب سرمایه‌گذاری بر مبنای مزیت‌های نسبی

هرگاه صحبت از تصمیمات سرمایه‌گذاری؛ جهت تقویت بنیه تولیدی جامعه و در نتیجه افزایش توان بازرگانی و صادراتی کشور پیش می‌آید، مزیت نسبی بخش‌های مختلف صنعتی نسبت به یکدیگر؛ اولویت‌های سرمایه‌گذاری صنعتی را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، هرگاه یک زیربخش صنعت، نسبت به زیر بخش دیگری از آن دارای مزیت باشد. آنگاه سرمایه‌گذاری به سمت آن جهت‌گیری شده و اولویت می‌یابد. اما آنچه که مزیت نسبی سرمایه‌گذاری را تعیین می‌کند، خود نیز به مجموعه‌ای از عوامل بستگی دارد. این عوامل عبارتند از: درجه کارایی، میزان سرمایه‌بری، میزان سودآوری و نسبت درآمد به هزینه، صرفه‌های تجمع و... در صورتی که نظر بر آن باشد، که سرمایه‌گذاری، با سیاست نیل به انتقال کامل عوامل تولید همراه باشد و محصول تولید شده، در نتیجه‌ی این سرمایه‌گذاری از ارزش افزوده قابل توجه برخوردار بوده و قابلیت صدور نیز داشته‌باشد، باید دو عامل دیگر؛ یعنی درجه کارآفرینی و میزان عدم وابستگی به موادخام خارجی را نیز، در محاسبه مزیت نسبی صنایع در زیربخش‌های مختلف صنعتی اضافه نمود. همچنین، از آنجا که کاهش نرخ بیکاری، یکی از شاخص‌های مهم در سال‌های اخیر به شمار می‌آید، بنابراین باید به آن توجه شود. و از آنجا که جهت‌گیری صادراتی در تولید، یکی از مسایل عمده‌ی کشور

در راستای تقویت صادرات غیرنفتی است؛ در محاسبه مزیت نسبی بخش‌های مختلف صنعتی، دو شاخص کارآفرینی و عدم وابستگی به مواد اولیه خارجی، در این بررسی ملحوظ گردیده‌است. شاخص‌های مورد بحث را می‌توان به شرح زیر تعریف نمود:

۱- شاخص کاردهی

این شاخص، عبارت است از نسبت ارزش افزوده به ستانده؛ که نشان‌دهنده میزان فعالیت‌های صنعتی به ازای هر واحد محصول فروش رفته می‌باشد. در صناعی که از سطح دانش فنی بالایی برخوردار بوده و از مواد اولیه بیشتری استفاده شود، این شاخص بالاتر خواهد بود. همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد؛ به دلیل وجود نیروی کار و منابع بالقوه فراوان و قابل دسترسی و نیز شرایط مناسب استان؛ صناعی دارای اولویت سرمایه‌گذاری خواهند بود که درجه اتکا به منابع داخلی آنها، بالاتر باشد و از مواد اولیه و عوامل تولیدی ارزش افزون استفاده شود.

۲- شاخص بهره‌وری نیروی کار

این شاخص عبارت است از؛ نسبت ارزش افزوده به تعداد شاغلان؛ و در حقیقت مبین کارایی عامل کار می‌باشد. افزایش مقداری این شاخص، نشان‌دهنده ارتقای سطح تولید و کاهش هزینه‌ها بوده و می‌تواند به‌عنوان معیاری، برای نشان دادن افزایش سطح سود و بالا رفتن توان رقابتی کالاهای تولیدی باشد. از سوی دیگر، تغییر در این شاخص، منجر به تغییر در ساختار فنی صنعت می‌شود.

۳- شاخص بهره‌وری سرمایه

این شاخص عبارت است از نسبت سرمایه‌گذاری به تعداد شاغلان و در حقیقت مبین کارایی عامل سرمایه می‌باشد. افزایش این شاخص نیز، مبین ارتقای سطح تولید و کاهش هزینه‌ها بوده و می‌تواند به‌عنوان معیاری، برای نشان دادن افزایش سطح

سود و بالارفتن توان رقابتی کالاهای تولیدی محسوب گردد. تغییر در این شاخص نیز، منجر به تغییر در ساختار فنی صنعت می‌شود.

۴- شاخص سرمایه‌بری

شاخص مذکور؛ بر مبنای تفاضل دستمزد سرانه از ارزش افزوده سرانه، تعریف شده‌است. در صورتی که این شاخص، برای یک فعالیت صنعتی کمتر باشد؛ باتوجه به محدودیت منابع سرمایه‌ای، در شرایط فعلی از اولویت بیشتری برخوردار خواهد بود. اگر یکی از اهداف توسعه صنعتی در سطح ملی و منطقه‌ای، ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و رفاه اجتماعی باشد، این شاخص می‌تواند، در این راستا دارای کاربرد اساسی جهت تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری و تولید باشد. این شاخص یکی از شاخص‌های پیشنهادی یونیدو نیز می‌باشد.

۵- شاخص سودآوری

این شاخص به میزان سوددهی صنایع اشاره دارد و از رابطه زیر، قابل محاسبه است.

$$In = \frac{Y_i - C_i}{L_i} = \frac{\text{کل هزینه هر صنعت} - \text{ارزش تولیدات هر صنعت}}{\text{تعداد افراد شاغل هر صنعت}}$$

۶- شاخص درجه وابستگی به مواد اولیه خارجی

در صورتی که ثبات در روند تولید و صدور محصول، مدنظر سرمایه‌گذاران باشد، این شاخص از درجه اهمیت بالایی در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری برخوردار خواهد بود. چرا که در روند تولید، با وجود محدودیت درآمدهای ارزی کشور، اتکا به مواد اولیه خارجی، ممکن است هر لحظه، فرایند تولید را با توقف، و نیز سرمایه‌گذار را، با خطر نابودی سود و حتی سرمایه مواجه سازد؛ البته این تنها درآمد

ارزی نیست که ورود مواد اولیه خارجی را با محدودیت مواجه می‌سازد. عدم هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم‌گیرنده و عدم نظم و ثبات در قوانین تجاری نیز؛ ممکن است صنایع استفاده‌کننده از منابع خارجی را به خطر کاهش و توقف تولید، تهدید نماید. بنابراین صناعی در تولید و صادرات موفق خواهند بود که در فرایند تولید، خود از روندهای باثبات و پیوسته‌ای برخوردار باشند.

در شرایط کنونی کشور، صناعی امکان گسترش فعالیت بیشتر را دارند که کمترین وابستگی به منابع خارجی و یا بیشترین وابستگی به منابع داخلی، داشته‌باشند. از این لحاظ، سرمایه‌گذاران نیز برای جلوگیری از تأخیر، در زمان بازگشت سرمایه، صنایع با ثبات و پایدار را که کمتر به منابع خارجی وابسته بوده و بیشتر ارزش افزوده را ایجاد می‌نمایند، برای سرمایه‌گذاری ارجح می‌شمرند.

محاسبه شاخص‌ها و تعیین مزیت نسبی صنایع برای سرمایه‌گذاری در استان فارس

باتوجه به ویژگی‌های استان فارس؛ مانند وسعت، تنوع صنایع، بالابودن سهم بخش صنعت و رشد آن در سطح استان، که از سال ۱۳۶۷ تاکنون سهم بخش صنعت و معدن در تولید ناخالص داخلی از ۱۸ درصد به بیش از ۲۰ درصد افزایش یافته‌است، به ارزیابی وضعیت بخش‌های مختلف صنعت در جهت شناسایی مزیت‌ها می‌پردازیم.

براساس آمار کارگاه‌های بزرگ صنعتی استان فارس، در سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷، روند شاخص‌های مورد بحث در قسمت قبل؛ برای سه دوره ۶۷-۱۳۶۳، ۷۲-۱۳۶۸ و ۷۶-۱۳۷۴ محاسبه گردیده و نتایج نیز؛ در جداول شماره ۱-۶ تا ۸-۶ برای شاخص‌های مورد نظر، به ترتیب خلاصه گردیده‌است. سپس برای تعیین رتبه صنایع براساس شاخص‌های فوق، از روش تاکسونومی استفاده شده‌است که در ادامه این قسمت، به تحلیل آن پرداخته خواهد شد.

مبانی تئوریک روش تاکسونومی عددی

آنالیز تاکسونومی، برای طبقه‌بندی‌های مختلف در علوم بکار برده می‌شود و نوع خاصی از آن، آنالیز تاکسونومی عددی (Numerical Taxonomy) است. که بنا به تعریف ارزیابی عددی شباهت‌ها و نزدیکی‌ها بین واحدهای تاکسونومیک یا موضوعات مورد مطالعه و درجه‌بندی آن عناصر به گروه‌های تاکسونومیک (تکسون) است.

این روش اولین بار توسط M. Adanson، در سال ۱۳۷۶ پیشنهاد شد و در سال ۱۹۵۰ نیز توسط عده‌ای از ریاضی‌دانان لهستان، بسط داده شد و در سال ۱۹۶۸ به‌عنوان وسیله‌ای برای طبقه‌بندی و تعیین درجه توسعه‌یافتگی، میان ملل مختلف؛ توسط پروفیسور «زیگنانت هلویگ»^(۱) از مدرسه عالی اقتصاد «روکلاو»^(۲) در یونسکو مطرح شد. روش تاکسونومی روکلاو؛ یک روش درجه‌بندی و طبقه‌بندی و مقایسه کشورها یا مناطق مختلف با توجه به درجه توسعه و مدرن بودن آنها می‌باشد. روش تاکسونومی عددی، در موضوعات مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آن جمله می‌توان؛ برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و ملی و بررسی دوگانگی‌های اقتصادی، فرهنگی و توسعه‌ای را نام برد که کاربرد فراوان دارند، همچنین این شیوه، یکی از روش‌هایی است که جهت گروه‌بندی و رتبه‌بندی مناطق - از لحاظ توسعه‌یافتگی - مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب «تاکسونومی عددی» روشی است که برای طبقه‌بندی موضوعاتی به‌کار برده می‌شود، که بین عناصر تشکیل دهنده هر طبقه، حداکثر تشابه یا نزدیکی وجود داشته و در عین حال با سایر عناصر تشکیل دهنده در طبقات تشکیل دهنده هر طبقه نیز، حداکثر تشابه یا نزدیکی وجود داشته و در عین حال، با سایر عناصر تشکیل دهنده در طبقات دیگر، حداکثر اختلاف را دارا باشد.

این روش، توانایی آن را دارد، که مجموعه‌ای از صنایع را، براساس تعدادی از

1- Zygnant Hellwig

2- Wrocław

شاخص‌های منتخب داده شده، به مجموعه‌های همگن تقسیم کند.

نتایج تاکسونومی براساس شاخص‌های مورد نظر

نتایج تاکسونومی شاخص‌های معرفی شده که در قسمت قبل مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت، برای سال‌های انتهایی سه دوره، مورد بررسی در جداول شماره ۱ تا ۴ خلاصه شده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، برای سال ۱۳۶۷ - سال انتهایی دوره اول - نتایج تاکسونومی؛ نشان می‌دهد که صنایع شیمیایی از بالاترین اولویت برخوردار بوده و صنایع کانی غیرفلزی نیز، اولویت دوم را داشته و پس از آن صنایع ماشینی اولویت سوم را به خود اختصاص داده است.

برای سال‌های ۱۳۷۲ (سال انتهایی دوره دوم) صنایع شیمیایی، بالاترین اولویت را داشته و پس از آن به ترتیب؛ صنایع غذایی و صنایع ماشینی غیرفلزی رتبه‌های دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند.

صنایع شیمیایی، از مهمترین محورهای توسعه صنعتی استان به شمار می‌آید که از سالیان دور؛ در این استان ریشه دوانیده و پاگرفته است. همچنین، از اندک صناعی است که، با داشتن ارتباط نسبتاً خوبی با دیگر صنایع، هنوز هم از ظرفیت گسترش بالایی در سطح استان برخوردار است. توانایی‌های بالقوه طبیعی و اقتصادی فارس، راه را برای استفاده از معادنی؛ مانند کرومیت، منگنز، نمک، مونت موریلونیت و بهره‌برداری صحیح از تولیدات کنونی، کارخانه‌های شیمیایی استان، نوید می‌دهد که صنایع شیمیایی بزرگ استان، صنایع اقماری و کوچک بسیاری را پرورش داد.

برای آخرین و مهم‌ترین دوره مورد بررسی، که حاوی جدیدترین اطلاعات ممکن مربوط به صنایع استان می‌باشد، نتایج تاکسونومی شاخص‌های معرفی شده برای سال ۱۳۷۶، نشان می‌دهد که صنایع کانی غیرفلزی با در نظر گرفتن جمیع جهات برای سرمایه‌گذاری و توسعه بیشتر، از اولویت بالاتری برخوردار است. نتایج

تاکسونومی، نشانگر آن است که ارتباطات عمودی و افقی در این بخش، قوی‌تر و امکانات تولید و بنابراین سرمایه‌گذاری‌های جدید در صنایع مرتبط با این صنعت، حتماً با سودآوری همراه بوده و افزایش ظرفیت‌های تولیدی در این زیربخش نیز، امکانات صادراتی استان و کشور را در این زمینه گسترش خواهد بخشید.

پس از آن، صنایع غذایی در اولویت دوم برای توسعه سرمایه‌گذاری قرار دارد و این امر مؤید آن است که زمینه برای توسعه صنایع تبدیلی در این استان، با توجه به بعضی از محصولات کشاورزی شاخص، کاملاً مهیا می‌باشد.

کارگاه‌های صنایع غذایی، از مهمترین کارگاه‌های بزرگ استان هستند که توانسته‌اند؛ نه تنها از نظر مواد اولیه، بلکه از نظر تولیدات خود، ارتباطی منطقی و پی‌گیر با صنایع کوچک پیرامون خود ایجاد کنند. کارخانه‌های بزرگ آزادسازی^(۱) و قندسازی از این‌گونه صنایع به شمار می‌آیند. با توجه به مواد اولیه کشاورزی و دامداری که در بیشتر نقاط استان در دسترس است، صنایع غذایی می‌تواند رشد یابد. تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد که این رشته از صنعت، علاوه بر تأمین نیازهای داخلی، می‌تواند از جنبه‌ی صادرات نیز مهم باشد. هم‌اکنون مقادیر زیادی از مواد خام کشاورزی، به کشورهای خارجی و به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس صادر می‌شود که با فرآوری آنها، می‌توان به سمت ایجاد اشتغال، ارزش افزوده و ارزآوری بیشتر حرکت کرد.

پس از صنایع غذایی، صنایع محصولات ماشینی، رتبه سوم را به دست آورده است؛ که بیان‌کننده زمینه‌ی مناسب برای گسترش سرمایه‌گذاری‌های سودآور در این فعالیت؛ به خصوص در بخش‌هایی است که؛ مرتبط با صنایع فعال استان هستند. پس از صنایع محصولات ماشینی از نظر اولویت برای سرمایه‌گذاری صنعتی، به ترتیب؛ صنایع شیمیایی، صنایع چوب، صنایع کاغذ و مقوا و صنایع نساجی،

۱- همانطور که قبلاً گفته شد در سال‌های اخیر استان فارس مقام اول کشور را در تولید گندم به خود اختصاص داده است.

پوشاک و چرم قرار دارد. که نشان‌دهنده این است که، صنایع نساجی در رتبه آخر قرار گرفته‌است و استان فارس در این صنعت، دارای مزیت نمی‌باشد. در واقع صنایع نساجی استان، با وجود پیشینه تاریخی و قدیمی خود در سطح استان، رشد خوبی نداشته‌است.

نتایج تاکسونومی، براساس شاخص‌های معرفی شده برای سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶؛ به صورت پنج رشته‌ای (بدون صنایع چوبی و صنایع کاغذ و مقوا) در جداول شماره ۵ تا ۱۷ ارایه می‌گردد.

لازم به توضیح است که انجام این کار، قابلیت مقایسه بیشتر و بهتر نتایج محاسبات برای سه سال ۱۳۶۷، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶ را فراهم خواهد ساخت، زیرا در سال ۱۳۶۷ اطلاعات برای دو رشته صنایع چوبی و صنایع کاغذ و مقوا فراهم نبوده و محاسبات برای پنج رشته انجام شده‌است.

نتایج محاسبات روش تاکسونومی در سال ۱۳۷۲، پس از حذف دو رشته صنایع چوب و صنایع کاغذ و مقوا نشان می‌دهد که باز هم صنایع شیمیایی دارای رتبه اول جهت سرمایه‌گذاری بوده و پس از آن به ترتیب: صنایع غذایی، صنایع ماشینی و صنایع کانی غیرفلزی، رتبه‌های دوم تا چهارم را به خود اختصاص داده‌اند و صنایع نساجی رتبه آخر را دارا بوده‌است.

نتایج به‌دست آمده از محاسبات پنج رشته‌ای برای سال ۱۳۷۲، تا حد بسیار زیادی به نتایج به‌دست آمده از محاسبات هفت رشته‌ای - در صفحات هفت رشته‌ای به‌دست آمده‌است - و فقط صنایع نساجی، قبلاً رتبه ششم داشته و پس از صنایع چوب قرار داشته‌است که اکنون، رتبه پنجم را داراست و در آخرین اولویت نیز قرار دارد.

نتایج بدست آمده از روش ناگسکووی
سال ۱۳۷۲

ردیف	نام	نتایج بدست آمده از روش ناگسکووی									
		شاخص بهره‌وری	شاخص درآمد	شاخص سودآوری	شاخص سرمایه‌بری	شاخص بهره‌وری کار	شاخص کارایی	شاخص صرفه‌مندی نسبی	Ci	F _i = C _i /C [*]	رتبه
۵	شاخص مواد غذایی، آلبومینها و دهانیاک	۱۷۸۹	-۰.۵۵۳	-۱.۱۵۷	-۱.۰۸۴	۱۷۸۰	-۱.۳۳۸	-۰.۷۴۴	۵۳۹۹	۰.۸۸۸	۵
۴	شاخص نساجی، پوشاک و چرم	-۰.۴۴۳	-۰.۳۱۱	-۰.۷۰۳	-۰.۱۸۸	-۰.۴۷۷	۰.۳۳۷	-۰.۷۹۵	۵۰۷۸	۰.۸۴۴	۴
۱	شاخص شیمیایی، نفت، زغال سنگ، لاستیک و پلاستیک	-۰.۴۴۷	۱۷۸۷	۱۶۰۳	-۰.۱۱۶	-۰.۲۸۰	۱.۳۳۹	۱.۷۰۲	۳۶۴۴	۰.۶۰۶	۱
۲	شاخص محصولات کانی غیر فلزی پیر نفت و ذغال سنگ	-۰.۴۴۳	-۰.۴۴۳	-۰.۱۸۴	۰.۸۹۰	-۰.۴۴۴	-۰.۱۸۱	-۰.۶۵۳	۵۰۱۵	۰.۸۴۴	۲
۳	شاخص ماشین آلات، تجهیزات ابزار و محصولات فلزی	-۰.۴۴۷	-۰.۴۶۶	-۰.۳۳۹	-۰.۳۳۹	-۰.۵۳۰	-۰.۳۳۳	-۰.۳۱۰	۵۰۱۷	۰.۸۳۳	۳
	MAX	۱۷۸۹	۱۷۸۷	۱۶۰۳	۱.۰۹۲	۱۷۸۰	۱.۳۳۹	۱.۷۰۲			

۲۸۱۸	AVG C _i
۰.۵۹۹	SD C _i
۲۰۱۶	C [*]

۱۳۷۲

نتایج بدست آمده از روش ناگسکووی

ردیف	نام	نتایج بدست آمده از روش ناگسکووی									
		شاخص بهره‌وری	شاخص درآمد	شاخص سودآوری	شاخص سرمایه‌بری	شاخص بهره‌وری کار	شاخص کارایی	شاخص صرفه‌مندی نسبی	Ci	F _i = C _i /C [*]	رتبه
۲	شاخص مواد غذایی و آلبومینها و دهانیاک	۱۷۱۰	-۰.۲۱۸	-۰.۹۵۷	-۰.۵۹۱	۱.۰۵۸	-۰.۵۴۹	۰.۹۱۶	۳۴۸۸	۰.۳۱۵	۲
۷	شاخص نساجی، پوشاک و چرم	-۰.۷۵۴	-۰.۷۵۳	-۰.۸۷۳	۱.۵۵۰	-۰.۹۲۴	-۱.۴۴۹	-۰.۹۲۷	۶۳۸۸	۰.۸۱۰	۷
۵	شاخص شیمیایی، نفت، زغال سنگ، لاستیک و پلاستیک	-۱۱۸۹	-۰.۵۸۹	-۰.۷۷۲	۱.۶۴۴	-۱.۰۹۵	-۰.۲۸۶	-۱.۰۲۰	۶۳۲۸	۰.۷۶۴	۵
۶	شاخص محصولات کانی غیر فلزی پیر نفت و ذغال سنگ	۱۱۸۰	۱.۷۰۶	۱.۵۸۹	-۰.۸۴۴	-۱.۰۸۲	-۰.۹۲۹	-۱.۰۲۰	۶۳۲۸	۰.۷۶۴	۶
۱	شاخص ماشین آلات، تجهیزات ابزار و محصولات فلزی	-۰.۴۶۶	-۰.۳۳۰	-۰.۲۳۷	-۰.۷۶۲	-۰.۱۱۱	-۱.۰۹۷	۱.۵۴۰	۱.۳۱۹	۰.۳۰۵	۱
۳	MAX	۱۸۸۰	۱.۶۹۷	۱.۵۸۹	-۰.۸۷۳	۰.۳۴۳	۱.۳۸۲	۰.۸۴۹	۲۷۰۳	۰.۳۴۴	۳

۴.۰۸۸	AVG C _i
۱.۸۰۱	SD C _i
۷۸۰	C [*]

نتایج بدست آمده از روش ناکسونومی
سال ۱۳۷۶

ردیف	C _i	F _i = C _i /C ₀	جدول شماره ۳ - ماتریس (F _i)	
			خاص	مصرفه‌های تجمعی
۱	۰.۸۳۸	۰.۸۳۸	۰.۸۳۸	۰.۸۳۸
۲	۰.۸۱۴	۰.۸۱۴	۰.۸۱۴	۰.۸۱۴
۳	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۴	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۵	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۷	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۸	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۹	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۱۰	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۱۱	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۱۲	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۱۳	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۱۴	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۱۵	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۱۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۱۷	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۱۸	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۱۹	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۲۰	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۲۱	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۲۲	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۲۳	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۲۴	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۲۵	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۲۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۲۷	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۲۸	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۲۹	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۳۰	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۳۱	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۳۲	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۳۳	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۳۴	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۳۵	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۳۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۳۷	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۳۸	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۳۹	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۴۰	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۴۱	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۴۲	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۴۳	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۴۴	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۴۵	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۴۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۴۷	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۴۸	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۴۹	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۵۰	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۵۱	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۵۲	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۵۳	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۵۴	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۵۵	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۵۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۵۷	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۵۸	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۵۹	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۶۰	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۶۱	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۶۲	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۶۳	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۶۴	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۶۵	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۶۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۶۷	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۶۸	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۶۹	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۷۰	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۷۱	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۷۲	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۷۳	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۷۴	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۷۵	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۷۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۷۷	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۷۸	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۷۹	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۸۰	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۸۱	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۸۲	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۸۳	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۸۴	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۸۵	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۸۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۸۷	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۸۸	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۸۹	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۹۰	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۹۱	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۹۲	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۹۳	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۹۴	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۹۵	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۹۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۹۷	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۹۸	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۹۹	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶
۱۰۰	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶	۰.۸۰۶

جدول شماره ۴ - رتبه بدست آمده برای صنایع مختلف

رتبه	سال ۱۳۷۲	سال ۱۳۷۶	رتبه
۱	صنایع شیمیایی، نفت، زغال سنگ، لاستیک و پلاستیک	صنایع شیمیایی، نفت، زغال سنگ، لاستیک و پلاستیک	۱
۲	صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات	صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات	۲
۳	صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی	صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی	۳
۴	صنایع نساجی، پوشاک و چرم	صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۴
۵	صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات	صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دخانیات	۵
۶	صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و انتشار	صنایع کاغذ، مقوا، چاپ و انتشار	۶
۷	صنایع نساجی، پوشاک و چرم	صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۷

نتایج بدست آمده از روش ناسکووس
سال ۱۳۷۲

جدول شماره ۱ - ماتریس (F1)

رشته شاخص شاخص بهره‌وری	شاخص درآمد به هزینه	شاخص سوفاوری	شاخص سرمایه‌بری	شاخص کارایی	شاخص کارایی	شاخص صرفه‌جویی نسبی	رتبه
شاخص شاخص بهره‌وری	۱۳۰۸	-۳۱۵	۰۲۳۳	-۵۳۴	۰۲۵	-۰۷۲۸	۲
شاخص بهره‌وری	۰۴۴	-۱۶۱۱	-۱۵۴۸	۱۹۱۸	-۱۵۸۵	-۱۲۸۸	۵
شاخص بهره‌وری	۰۲۰۲	۰۸۱	۱۲۸۲	-۵۸۸	۱۳۴۵	۰۴۵۷	۱
شاخص بهره‌وری	۰۷۷	-۱۱۶۵	-۵۴۴	-۱۴۰	-۳۷۸	۰۷۸	۴
شاخص بهره‌وری	۰۱۸۸	۱۲۶	۰۲۴	-۰۲۶	-۱۰۷	۰۶۳	۴
شاخص بهره‌وری	۱۳۰۸	۱۲۶	۱۲۸۲	۱۹۱۸	۱۳۴۵	۰۶۳	۲
MAX							

F10A	AVG CI
۱۳۰	SD CI
۵۸۱۷	C*

نتایج بدست آمده از روش ناسکووس
سال ۱۳۷۱

جدول شماره ۲ - ماتریس (F1)

رشته شاخص شاخص درآمد به هزینه	شاخص سوفاوری	شاخص سرمایه‌بری	شاخص کارایی	شاخص کارایی	شاخص صرفه‌جویی نسبی	رتبه	
شاخص شاخص درآمد به هزینه	۰۸۰	-۰۲۳	-۰۲۳	-۰۱۲	-۰۲۲	۰۲۰	۲
شاخص درآمد به هزینه	-۰۷۲	-۰۶۱	-۱۵۴	۱۵۶	-۱۲۳	۱۲۳	۵
شاخص سوفاوری	۰۴۴	-۰۵	۰۸۷	۰۸۰	۱۳۱	۰۲۰	۲
شاخص سرمایه‌بری	-۱۳۸	۱۷۸	۰۲۶	۰۳۳	-۰۷۷	۱۵۳	۱
شاخص کارایی	۰۸۵	-۰۴	۰۵۳	۰۶۹	-۰۲۹	-۰۳۵	۴
شاخص کارایی	۰۸۲۱	۱۷۸۰۳	-۰۸۲۶	۱۳۰۶۵	۱۵۳۰۸	۱۵۷۲۵	
MAX							

F21A	AVG CI
۰۲۱۸	SD CI
۵۰۱۵۸	C*

جدول شماره V - رتبه بدست آمده برای صنایع مختلف

رتبه	سال ۱۳۶۷	سال ۱۳۷۲	سال ۱۳۷۶
۱	صنایع شیمیایی، نفت، زغال سنگ، لاستیک و پلاستیک	صنایع شیمیایی، نفت، زغال سنگ، لاستیک و پلاستیک	صنایع محصولات کانی غیر فلزی بجز نفت و ذغال سنگ
۲	صنایع محصولات کانی غیر فلزی بجز نفت و ذغال سنگ	صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دهانیاک	صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دهانیاک
۳	صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی	صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی	صنایع شیمیایی، نفت، زغال سنگ، لاستیک و پلاستیک
۴	صنایع نساجی، پوشاک و چرم	صنایع محصولات کانی غیر فلزی بجز نفت و ذغال سنگ	صنایع ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی
۵	صنایع مواد غذایی، آشامیدنیها و دهانیاک	صنایع نساجی، پوشاک و چرم	صنایع نساجی، پوشاک و چرم

در سال ۱۳۷۶، نتایج تاکسونومی پس از حذف دو رشته مذکور، بیانگر این است که باز هم صنایع کانی غیرفلزی و صنایع غذایی، اولویت اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند و پس از آن صنایع شیمیایی و صنایع ماشینی، رتبه‌های سوم و چهارم را دارا هستند. در محاسبات براساس هفت رشته، صنایع ماشینی؛ رتبه سوم و صنایع شیمیایی؛ رتبه چهارم را داشته‌است. صنایع نساجی نیز در اولویت آخر قرار دارد. در اینجا لازم به ذکر این مطلب است؛ که با حذف دو رشته صنایع چوبی و صنایع کاغذ و مقوا، نتیجه محاسبات، تفاوت چندانی نداشته و تقریباً به همان صورت هفت رشته‌ای بوده‌است.

نتایج بدست آمده از محاسبات پنج رشته‌ای، برای سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶، به روشنی، گویای این نکته است که صنایع چوبی و صنایع کاغذ و مقوا نقش چندانی در بین صنایع دارای مزیت استان نداشته‌اند و باز هم تأییدی بر عدم مزیت این دو رشته برای سرمایه‌گذاری است.

در روش تاکسونومی صنایع شیمیایی، صنایع ماشینی و صنایع کانی غیرفلزی و صنایع غذایی در طی سه دوره، از اولویت بیشتری برای سرمایه‌گذاری برخوردار هستند.

اولویت‌بندی حاصل از تاکسونومی صنایع، براساس شاخص‌های موردنظر برای سرمایه‌گذاری، کاملاً با نتایج مطالعات آمایش سرزمین، برای تعیین فعالیت‌های اولویت‌دار و همچنین نتایج مطالعات طرح کالبدی ملی، هماهنگ می‌باشد. این امر تأییدی است بر صحت شاخص‌های مورد استفاده و روش به کار گرفته شده برای تعیین اولویت سرمایه‌گذاری صنعتی و نیز نتایج استخراج شده از این روش.

هم‌اکنون در استان فارس، صنایعی همچون نساجی، پوشاک و چرم، صنایع کاغذ و مقوا و چاپ و انتشار و برخی صنایع دیگر وجود دارند، در حالی که نتایج بررسی‌های انجام شده در این تحقیق نشان داد که استان فارس در این رشته فعالیت‌های صنعتی، دارای مزیت نیست و این صنایع، در رده‌های آخر رتبه‌بندی

صنایع استان قرار دارد. همچنین مزیت استان در زمینه صنایع شیمیایی و کشاورزی (که یکی از فعالیت‌های مربوط به صنایع غذایی می‌باشد) بیشتر است.

در جهت تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری صنعتی؛ جهت تقویت تولید و توسعه صادرات محصولات صنعتی در استان فارس، توجه به نکات ذیل حایز اهمیت است:

● باتوجه به نتایج حاصل از تاکسونومی مزیت نسبی صنایع برای سرمایه‌گذاری صنعتی؛ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی به سمت سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی هدایت می‌شود که استان در آن قسمت‌ها دارای مزیت نسبی می‌باشد.

● سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، در فعالیت‌های صنایع شیمیایی و صنایع ماشینی، باید با سیاست‌های تشویقی و حمایتگر همراه باشد و در اعتبارات تخصیصی و دیگر تسهیلات اعطایی، باید این اولویت در نظر گرفته شود.

● نظر به محدودیت مالی بخش خصوصی جهت تقویت ساختارهای صنعتی، سرمایه‌گذاری بیشتر بخش دولتی در صنایع شیمیایی و صنایع ماشینی، به دلیل سرمایه‌بری زیاد آنها توصیه می‌شود.

● کارخانجات و صنایع مختلف موجود در استان، که در حال حاضر پایین‌تر از ظرفیت واقعی و بالقوه خود در حال فعالیت می‌باشند؛ باید تقویت شوند و تسهیلات لازم جهت افزایش ظرفیت تولیدی آنها تا حد تولید بالقوه و همچنین تکمیل طرح‌های نیمه تمام فراهم گردد.

● باتوجه به وضعیت فعلی کشور و بالابودن آمار بیکاری، و باتوجه به قابلیت اشتغال‌زایی صنایع کانی غیرفلزی و صنایع مواد غذایی که از صنایع مزیت‌دار استان نیز هستند؛ گسترش این صنایع در کاهش بیکاری استان، مفید خواهد بود.

فهرست منابع:

- ۱- آزادی، بهنام. جایگاه نظام برنامه‌ریزی منطقه‌ای در برنامه دوم جمهوری اسلامی ایران و ترسیم خطوط اساسی نظام مطلوب برنامه‌ریزی در کشور. دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۴.
- ۲- آغاچی اصل، رسول. «کاربرد آنالیز مؤلفه‌های اصلی و تاکسونومی عددی و رتبه‌بندی ۲۴ استان کشور». رساله کارشناسی. دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۳.
- ۳- ابراهیمی نورعلی، علیرضا. «تعیین درجه توسعه‌یافتگی مناطق روستایی استان لرستان». رساله کارشناسی ارشد. دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۶.
- ۴- اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی.
- ۵- اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۷۶-۷۵.
- ۶- اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۹۲-۹۱.
- ۷- انجمن مدیران صنایع، استراتژی توسعه صادرات صنعتی، (مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران: نشر آتنا، سال ۱۳۷۵).
- ۸- ایمانی راد، مرتضی، ترابی، غلامعباس. برنامه‌ریزی اقتصادی با استفاده از نرم‌افزار *Quattro Pro*. (تهران: نشر بهمن، ۱۳۷۵).
- ۹- ایمانی راد، مرتضی. توسعه و برنامه در جهان سوم با نگاهی به تجارب توسعه در ایران. (تهران: انتشارات پیشبرد، سال ۱۳۶۹).
- ۱۰- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۵.
- ۱۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. اداره بررسی‌های اقتصادی. خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۷۶.
- ۱۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. اداره بررسی‌های اقتصادی. خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۷۷.
- ۱۳- پولاد دژ، محمد. آینده‌نگری رشد و توسعه در سیستم برنامه‌ریزی. (تهران: نشر صنوبر، سال ۱۳۶۷).
- ۱۴- پولاد دژ، محمد. مکان‌یابی و کارایی پروژه صنعتی. (تهران: نشر بنیاد، ۱۳۶۵).
- ۱۵- پیراسته، حسین. «شناسایی مزیت‌های نسبی منطقه‌ای در ایران با تأکید بر صنایع استان آذربایجان شرقی». پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۶، (بهار ۱۳۷۷).
- ۱۶- تقی‌زاده، غلامرضا، صنعت در جهان متغیر، یونیدو، سال ۱۳۶۵.
- ۱۷- دلبیو، هری و دیگران. سیاستگذاری منطقه‌ای. پرویز اجلائی. سازمان برنامه و بودجه. معاونت امور مناطق. دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تهران، ۱۳۷۳.

- ۱۸- دفتر برنامه ریزی منطقه‌ای معاونت امور مناطق سازمان برنامه و بودجه، مطالعات طرح آمایش سرزمین اسلامی ایران، چشم‌انداز بلندمدت توسعه و فعالیت‌های اولویت‌دار (ملی و استان)، تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۹- رامش و پرساد میسرا، برداشتی نو از مسائل توسعه، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۶.
- ۲۰- رشیدی، علی. «توسعه صنعتی ایران - تجربه گذشته و استراتژی آینده». نشریه اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران، نامه اتاق بازرگانی، شماره ۷، (سال ۱۳۷۴).
- ۲۱- آر.ال. مابوگنج، آر.پی. میسرا، توسعه منطقه‌ای روشهای نو. عباس مخبر، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۸.
- ۲۲- برنامه دوم توسعه استان فارس (جمع‌بندی کمیته‌های تخصصی)، سازمان برنامه و بودجه استان فارس، ۱۳۷۱.
- ۲۳- سید بنکدار، عاطفه، مزیت‌یابی در صنعت سیمان، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۸.
- ۲۴- عظیمی، حسین، مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱.
- ۲۵- فتحعلیها، عباس، توسعه تکنولوژی - بررسی مفاهیم و فرآیند تصمیم‌گیریها، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۲.
- ۲۶- فقیه‌نصیری، مرجان، «مزیت‌های نسبی کشور در صنعت چرم‌سازی با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی تاکسونومی عددی». رساله کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه‌طباطبائی، ۱۳۷۱.
- ۲۷- قره‌باغیان، مرتضی و اسدی، مرتضی، تجارت و توسعه، مؤسسه تحقیقات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۶۵.
- ۲۸- قره‌باغیان، مرتضی، اقتصاد رشد و توسعه جلد اول، (تهران: نشر نی، ۱۳۷۳).
- ۲۹- کمالی دهکردی، پروانه، تجزیه و تحلیل دوگانگی منطقه‌ای در اقتصاد ایران، محاسبه درجه توسعه اقتصادی استان کشور، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۰.
- ۳۰- هاشمیان، مسعود و حسن پور، یوسف، تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری صنعتی در استان کرمانشاه (براساس تحلیل ساختاری و مزیت نسبی)، مجموعه مقالات همایش شناخت استعدادهای بازرگانی - اقتصادی استان کرمانشاه، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی سال ۱۳۷۶.
- ۳۱- هنسن، نایلز، بنجامین، هیگنز و جی. ساوی، دانلد، سیاستگذاری منطقه‌ای در جهانی در حال دگرگونی، گروه مترجمان زیر نظر دکتر پرویز اجلائی، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۶.
- 32- Dnis Goult, "Development or Liberatio?" in wilber and Jameson (eds), *The Political Economy of Development and Under Development*, op.cit.
- 33- Gerald M. Mcir, "*Leding Issues in Economic Development*," Oxford University Press, 1964.
- 34- Gunnar Myrdal, Agnist, *The Stream Critical Essays on Economic*, London: The Macmilan Press LTD, 1974.
- 35- *Indusy and Development*, Global Repor, UNTDO, 1991-92.

پی‌نویس‌ها:

- ۱- نایلز هنسن، بنجامین هیگنز، داندجی، ساوی. «سیاستگذاری منطقه‌ای در جهانی در حال دگرگونی». گروه مترجمان زیر نظر دکتر پرویز اجلالی، سازمان برنامه و بودجه، تهران ۱۳۷۶، صص ۳۵۹ و ۳۶۲.
- ۲- هری دبیلو و دیگران، سیاستگذاری منطقه‌ای، ترجمه‌ی پرویز اجلالی، (تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۳)، ص ۴۷.
- ۳- نایلز هنسن، پیشین، ص ۳۶۲ و ۳۶۳.